موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

دیدگاه مسیر پیامبری درباره نبوت

در گفتار قبل دیدگاه نویسنده کتاب مسیر پیامبری را در باره عمومیت نداشتن پیامبری بیان کردیم. وی گفته بود: برخی تحقیقات تاریخی و باستان شناسی نشان از آن دارد که در برخی جوامع آثاری از نبوت و پیامبری نبوده است، و علت آن این بوده که چون نبوت، گزینش بشری است، در این جوامع شرایط مناسب برای اعلان پیامبری نبوده است. در اینجا دیگر این مساله مطرح نیست که چرا خداوند برای برخی جوامع پیامبری را مبعوث نکرده است.[[1]](#footnote-1) وی در ادامه گفته است: اینکه بر اساس گزارشات باستان شناسی دین را گسترده و در همه جا می یابیم، اما نبوت را به معنایی که دیدگاه رایج می گویند و آن را گزینش الهی می داند، نمی بینیم، نشان از آن دارد که این معنا نادرست است و معنای درست از پیامبری همان دیدگاه ما یعنی گزینش انسانی است.

ارزیابی

دو بخشی که در کلام وی بیان شده است مورد نقد است:

1. در مورد بخش اول گفته شد نبوت و پیامبری عمومیت داشته است اما این به معنای حضوری فیزیکی نبی در میان مردم نبوده است، بلکه حضور خود وی و نمایندگان او بوده است، علاوه بر اینکه ممکن است در جامعه ای پیامبر آمده و پیام های الهی را ابلاغ کرده باشد اما آن مردم دچار انحراف گردیده باشند.

نکته دیگر اینکه بر اساس جدال احسن می توان گفت: همان توجیهی که نویسنده مسیر پیامبری درباره دیدگاه خود بیان کرده، در باره دیدگاه رایج نیز می توان گفت. دیدگاه رایج می گوید خدای متعال از میان انسان ها افراد خاصی را برگزیده و به عنوان پیام آوران خود برگزیده است. اکنون این بعثت الهی در برخی مناطق به دلیل نبود شرایط و عوامل در آن زمان رخ نداده است. این همان توجیهی است که شما در مورد گزینش انسانی در نبوت گفته اید، چه تفاوتی دارد؟ شما ادعایی را مطرح کرده اید که پیامبری گزینش بشری است نه الهی، و دلیل آن را نبود آثار نبوت در برخی جوامع طبق تحقیقات تاریخی دانسته اید. این دلیل بر اساس آنچه گفته شد مخدوش است و لذا مدعای شما بدون دلیل خواهد بود و مدعای بدون دلیل ارزش معرفتی نخواهد داشت.

نکته دیگر اینکه اصولا این مدعی که گفته اید نبوت گزینش بشری است، دلیل بر خلاف هم دارد و آن اینکه اهل خانه از دیگران نسبت به خانه مطلع تر هستند. مسلما کسانی که مصداق مسلم پیامبری بوده و آن را تجربه کرده اند، سخن آنان در مورد اینکه خاستگاه نبوت چیست و اینکه آیا امری بشری است یا ماموریت الهی، سخنشان نسبت به کسانی که از بیرون می خواهد درباره تجربه آنان سخن بگوید درست تر و منطقی تر است.

بیان انبیاء الهی طبق بیان قرآن اینگونه است که منکران به پیامبران می گفتند شما نیز بشری مانند ما هستند و باید بر ادعای خود برهان اقامه کنید: «قالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِي اللَّهِ شَكٌّ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرَكُمْ إِلى‏ أَجَلٍ مُسَمًّى قالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُنا تُريدُونَ أَنْ تَصُدُّونا عَمَّا كانَ يَعْبُدُ آباؤُنا فَأْتُونا بِسُلْطانٍ مُبينٍ»[[2]](#footnote-2): پيامبرانشان گفتند : آيا در خدا كه آفريننده آسمان‏ها و زمين است شكى هست ؟ او شما را دعوت [ به ايمان ] مى‏كند تا همه گناهانتان را بيامرزد ، و شما را تا زمان معينِ [ عمرتان ] مهلت مى‏دهد . پاسخ دادند : شما بشرهايى مانند ما هستيد كه مى‏خواهيد ما را از معبودهايى كه پدرانمان مى‏پرستيدند باز داريد؛ پس [ شما ] دليل روشنى [ بر اثبات رسالت خود كه مورد پسند ما باشد ] بياوريد.

در آیه بعد می فرماید: «قالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلى‏ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ ما كانَ لَنا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطانٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُون‏»[[3]](#footnote-3): پيامبرانشان به آنان گفتند : يقينى است كه ما بشرى مانند شما هستيم ، ولى خدا به هر كس از بندگانش بخواهد [ با عطا كردن مقام نبوّت ] منّت مى‏نهد و ما را نسزد كه جز به اجازه خدا معجزه‏اى براى شما بياوريم ، و بايد مؤمنان فقط بر خدا توكل كنند.

اگر گفته شود آنان با اینکه خود احساس ماموریت کرده اند اما آن را گزینش الهی دانسته است، دو فرض متصور است: اول اینکه بگوید ممکن است انبیاء الهی دچار خطا شده باشند و اینکه خود را برگزیده خداوند می دانستند مبتنی بر یک روش منطقی نبوده و جنبه توهم و تخیل داشته است. این احتمال قطعا مردود است، زیرا طبق روش نویسنده، اگر به لحاظ تاریخی و واقعیت های آن، پرونده انبیاء را مطالعه کنیم می بینیم آنان جزء سرامدان خرد و منطق در میان مردم بوده اند. احتمال دوم اینکه آنان بر خلاف واقع سخن گفته اند. روشن است که این احتمال نیز که دروغ گویی است قطعا قابل استناد نیست. چگونه کسی که گرفتار این رذیله اخلاقی است می خواهد، در مسیر تعالی بالا رفته و دیگران را نیز راهبری و هدایت کند؟!

2. در مورد اینکه گفته اید دین در همه زمان ها و مکان ها گسترش داشته اما نبوت نه، این مطلب اگر نقض دیدگاه رایج باشد، نقض دیدگاه شما نیز هست، زیرا پیامبران صرف یک انسان مصلحی که نبوده اند، بلکه انسان های وارسته ای بوده اند که مسیر سیر و سلوک الهی را طی کرده اند. اکنون سخن این است که آنان برای ماموریت خویش گزینش شده اند یا احساس این ماموریت را داشته اند؟ شما می گویید دین اعم از نبوت به معنای دیدگاه رایج است، می گوییم دین نسبت به دیدگاه شما نیز اعم است. اولا در میان ادیان، ادیانی هستند که موسسی ندارند مثل دین هندو. در اینجا دین هست اما پیامبر و موسسی اساسا نیست. ثانیا برخی دین ها که موسس دارند، موسس آنها اعتقاد به خداوند نداشته است مثل آیین بودا یا جینیسم.

ادامه این بحث در جلسه آینده انشاءالله بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. مسیر پیامبری، ص 105 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره ابراهیم، آیه 10 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره ابراهیم، آیه 11 [↑](#footnote-ref-3)